

شکست در اوکراین و تلخی روزگار بر امریکا و غرب مسأله روز



توفیق تماس

اگر هدف اسرائیل و امریکا مهار (حماس) است ، چرا به گلوله بستن اطفال معصوم غزه جاغور را خالی میکنند ، اگر پاک سازی حماس سنگینی میکند بر توان ارتش اسرائیل و متحدین غربی ، غزه چرا تاوان بازی های ژئوپولتیک منطقه شود .

در حالیکه سران حماس در (قطر) پایگاه دارند و برنامه سازی تشکیلاتی این سازمان از زیر نظر ساختار قدرمند که بوسیله شیخ های ثروتمند قطر تمویل و اکمال میگردد ، و انهم در کشور (قطر) که امریکا بزرگترین پایگاه دارد و همه ساخت بافت سازمان حماس و قدرت گیری لوژستیکی و مالی توسط قطر انجام می پذیرد ، امریکا نفوذ قابل ملاحظه در قطر دارد .

بنا چرا برنامه ریزی حماس از انجا سرنگون و نیست نابود نه میگردد که خشونت بی سابقه و کشتار بیرحمانه فلسطینی های مظلوم در غزه هر دقیقه یک تاریخ دراماتیک را رقم میزند.

بنابراین این جنگ اهداف دراز مدت و منافع ژئوپولتیک را در خود می پروراند

اول - شکست در اوکراین در مقابل پوتین ، کام غرب را سوزاند و تلخی این شکست عملا دشوار است بر سیاست گران غرب و امریکا که در بازی های بعدی بدون برنامه دفاعی و استراتژییک منطقه را بر چین و روسیه تنها بگذارند

دوم - حلقه محاصره خط (ابریشم) وحشتناک تر از آن است که امریکا و متحدین اش تصور انرا مینموده اند ، چون سایه نفوذ چین و رشد بی همتا غول پیکر چین ، اقتصاد ژئوپولتیک منطقه را از زیر زانو امریکا خالی میکند ، و تمدن غرب ارام ارام پهلوی عوض میکند در چارچوب یک استراتژی کاملاً جدید بنام (بریکس) از اینرو دیدار اخیر رهبر چین و بایدن پر از مخاطره و خالی از دست آورد بود بر سرداران کاخ سفید در واشنگتن ، تیم بایدن تلاش داشت تا رهبر چین را ترغیب کند که هنوز در جال اقتصاد غرب میتوانی که شنا کنی ، و ماهی را که از ساحل در جال می اندازی بکمک ما نیاز داری ، ولی از قضا که وضعیت از تراوش فکری بایدن خارج است بایدن نه میتواند که همه چیز را بساده گی بر گرداند به هژمونی قدرت از دست رفته غرب و امریکا بعد از جنگ دوم جهانی

سوم - اگر روسیه پس از جنگ اوکراین بتواند تمامی ابزار و ساختار ناتو را در شرق اروپا مجبور به عقب نشینی و مرز های سال (1945) کند یعنی دوره اعتدال قدرت نظامی شوروی که دنیا را به دو قطب منقسم کرد ، و یک تازی شوروی نظم جهانی را در سیطره خود نگاه داشت ، بنماید در این صورت غرب و امریکا از درآمد نفتی منطقه خلیج کاملاً بی بهره میگرد ، و انهم در شرایطی که حجم بی ثباتی سیاسی تهدید اصلی و استراتژیک امریکا و متحدین اش را ، وارد یک دست پاچه گی ساخته ، بنا وضعیت طبق مراد واشنگتن انکشاف نه میکند حتی اگر اسرائیل برنده جنگ شود ، چون پایگاه نظامی امریکا در دراز مدت و بطور سیستماتیک در انگاره خطرات موشکی گروه نیابتی جمهوری اسلامی قرار خواهد گرفت

و این وضع غیر قابل قبول بر امریکا خواهد بود که از لحاظ مانور های استخباراتی در منطقه و تسلط هژمونی خود را در این بالا یشگاه که بطور سنتی و دایمی در اختیار امریکا بود از دست بدهد شکست غرب در حوزه خلیج و از دست دادن نفت و درآمد های اقتصادی یک خود کشی سیاسی است ، بنابراین تلاش اسرائیل و ادامه این جنگ نقطه حساس محاسبه شده بر ادامه سیاست های غرب و امریکا برنامه ریزه شده ، ولی حالا کنترل از دست امریکا خارج است ، نتانیاهو دیگر هوا رهبران کاخ سفید را ندارد چون در داخل ، زیر فشار دست راستی های محافظه کار و صهیونیست ها است ، در چنین شرایط سر نوشت ساز ما با عدم اعتماد راهبردی و تبادل اطلاعات ویژه میان واشنگتن و اسرائیل هستیم شکاف ها عمیق تر و عمیق تر میگرد و کابینه نتانیاهو دیگر تاب شنیدن دستور از کاخ سفید را ندارد چون اسرائیل تداوم جنگ را در بقا خود میبیند ، ولی سیاست فعلی کاخ سفید آتش بس تاکتیکی است نه استراتژیک ، بخاطر چه ؟

بخاطریکه وجهه بایدن بعد از شکست های جنگ اوکراین نزد افکار عامه افت چشم گیر داشته هم چنان انتخابات پیش رو ، وزنه بایدن و دیموکرات ها را بشدت ضربه زده ، چه بخواهند یا نخواهند دیموکرات ها محکوم به شکست اند ، و این شکست راهبردی را حتی در صورت پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات سال آینده دید ، چون ترامپ کسی نیست که امریکا را از تنزل ابر قدرتی و یک تازه های نجات داد ، ترامپ و هرکسی دیگر که باشد نه میتواند مجهزه خلق کند ، و شکست های استراتژیک که امریکا در افغانستان اوکراین و شرقیمنانه خورده تلافی کند ، حالا غرب و امریکا در سرنوشت نامعلوم بسر میبرند ، یا جنگ اتمی را با روسیه راه آغاز کنند ، یا سر تسلیم با حریف های مطرح تسلیحاتی چون روسیه فرود بیاورند ، و یا رشته اقتصاد دنیا را بدست چین بسپارند این امر دشوار است بر امریکا و غرب ولی نا ممکن نیست

در اوکراین چه خبر !

بازی را غرب چنان باخت به پوتین که میتوان رکود تاریخی ناامید به این رویداد شکست ناتو در مقابل روسیه

همانطوریکه که گفتیم که غرب خسی شد در این جنگ ، نه توان نظامی دیده میشود در جبهه اوکراین ، نه پشتیبانه مالی و تسلیحاتی ، اوکراین به رهبری زلنسکی هر روز رنگ زرد و رنگ پریده در مقابل دوربین ها دنیا ، از ندامت درونی چهره برخ میکشد ، و درست مانند رهبران باخته شده (کرزی ها و غنی ها) بار مسوولیت را به شانه غرب و امریکا می اندازد

او حق بجانب است از یک لحاظ ، که هر پروژۀ را که امریکا راه اندازی نموده محکوم به شکست شده ، و رهبران پوشالی را در قالب یک مهره های نا کارآمد و فاسد بعد از خروج خود در میدان سیاست و جنگ تنها رها نموده درست مثل غنی و کرزی و رهبران مجاهدین که به غرب اتکا داشتند ولی حالا

اوکرایین حتی مرمی توپ ندارد که در مقابل تحرکات روسیه تاب بیاورد. جنگ وارد یک مرحله جدید شده، و مهره های کارازماتیک نظامی و بدرد بخور اوکرایین تسلیم به ارتش روسیه میشوند، چنانچه یک پیلوت مطرح اوکرایین که در وظایف محاربوی خیلی نقش برآورده داشت در همین هفته وارد روسیه شده و تقاضا پناهنده گی نمود.

این پروسه کمر مقاومت ها را قبل از اینکه پوتین عملیات وسیع دیگر را بر تمامی فتح اوکرایین راه بی اندازد اسان تر و راحت تر میکند، چون نیازی نیست که توپ تانک بر متلاشی شده تمامی کی یف و خارکوف وارد عمل شود، فروپاشی داخلی توازن قوا را در بی برنامه گی که غرب مسول این رویداد دراماتیک بود بیشتر برجسته میکند. احتمال کودتا شتاب بیشتر میگیرد، و نفس مسله اینکه اوکرایین باید میکانیزم مذاکره را با پوتین در فکر داشته باشد البته بعد از زلنسکی، در غیر این جغرافیا سقوط بیشتر خواهد کرد. بنفع روسیه و مقیاس از هم پاشیده گی اوکرایین بطور استراتیژیک متصور است.

###

